



متحد باشید

بیانات مقام معظم رهبری در

۱۳۹۵ / ۸ / ۱۹

جمع فعالان

جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی



تجدید عهد

خیلی متشکر و خرسندم از اینکه دوستان همت کردید این جلسه بسیار خوب را تشکیل دادید. تجدید عهدی شد، یادی شد. اگرچه از بعضی از بخش‌های شما گزارش‌هایی یا می‌بینم یا می‌شنوم یا می‌خوانم، لکن این گزارش مبسوط و مشروح و گویا را برادران لطف کردند و دادند، حقیقتاً بسیار خوب بود. هم پُرمغز بود، هم حاکی از تلاش و جدیت فراوان بود، هم حاکی از هوشمندی و آینده‌نگری بود.

ربط دل من و تو ربط عاشقی است

الحمدلله بالاخره جمعی در کشور پیدا شدند که بدانند و بفهمند کشورشان چیست؟ کیست؟ ظرفیت‌ها چیست؟ ما که هرچه به بعضی‌ها راجع به ظرفیت‌های کشور، راجع به امکانات کشور و این‌ها می‌گوییم خیلی باور نمی‌کنند. اما الحمدلله جماعت شما این حقیقت را باور کردید و لمس کردید و به‌نمایش درآوردید. مطالبی هم که این دوستان بیان کردند، عمده مطالبی بود که در دل بنده هم همین حرف‌ها، همین توقعات بود. الحمدلله هم‌دلی است، هم‌زبانی هست.

ربط دل من و تو ربط عاشقی است

اینجا سخن ز که‌تر و مه‌تر نمی‌رود

دلیل اصرار بر تربیت

مرحوم آقای خوشوقت می‌گفت یک عارفی در مکاشفه دید که یک سکوی بلندی است که جوان‌ها می‌آیند و جست می‌زنند. با یک جست می‌پرند روی سکو. عارف هر کاری کرد نتوانست و افتاد زمین. در عالم معنویت هم همین است، آنجا هم جوان آمادگی‌اش بیشتر است و بهتر می‌تواند پرواز کند.

الحمدلله این مفاهیم در دل شما جوان‌ها روئیده است. اینکه من این همه اصرار می‌کنم آموزش بدهید و پیورانید، تربیت کنید و به وجود بیاورید، برای خاطر این است. یعنی همین طور این نسل‌ها پی‌درپی، پشت‌سرهم، هی جوان پشت سر جوان، جوان پشت سر جوان.

مثل نیروهای ذخیرهٔ جنگ. یک نیرو صف شکنی می‌کند و راه را باز می‌کند، نیروی بعدی از وسط عبور می‌کند و موقعیت را تصرف می‌کند. بعد خط دفاعی تشکیل می‌دهد و احیاناً حمله می‌کند، بعد نیروی بعدی خط را می‌شکافد. جنگ فرهنگی هم عیناً همین جور است؛ البته با ظرافت‌های خیلی بیشتر و با پیچیدگی‌های خیلی زیادتر و نیازمند به هوشمندی‌های خیلی بیشتر.

الحمدلله شما جوان‌ها راه افتادید، آمدید و کار را شروع کردید. بالاخره ما هم همین حرف‌ها را با شما داریم.

تشکر از فعالان فرهنگی

باید تشکر کنم از دست اندرکاران و از شخص آقای جعفری. از آقای یکتا که در راه اندازی این کار خیلی نقش ایفا کرد، واقعاً تشکر می‌کنم. آقای یکتا هم از آن آدم‌هایی است که تمام نمی‌شود. همین‌طور می‌جوشد. مثل اسب عربی که هیچ‌وقت خسته نمی‌شود. بنده خودم را چند سال قبل به اسب عربی تشبیه کردم. گفتم اسب عربی هیچ‌وقت خسته نمی‌شود؛ یعنی از پا نمی‌افتد و وقتی که می‌افتد دیگر می‌میرد، تمام. می‌رود تا تمام می‌شود. آقای یکتا از آن اسب‌های عربی اصیل است.

خب، الحمدلله آقای عبودتیان هم تعریف‌های خوبی از ایشان شنیدم، امشب بیشتر از ایشان شنیدیم، لکن قبلاً گزارش‌های خوبی می‌آمد. از یک‌ایک شماها واقعاً تشکر می‌کنم. همه این گزارش‌هایی که دادید گزارش‌های بسیار خوبی بود. هم افق را گاهی اتفاق افتاده دیدم، هم محصولات اوج را، هم بخش مربوط به فضای مجازی را.

راجع به اوج یکی از دوستانی که برای این جلسه به من مشورت دادند که مطالعه کنم، چیز جالبی نوشته بود. نوشته بود من معلمم، خصوصیت‌م این است که تا چیزی دستم می‌دهند زیر غلط‌ها خط بکشم. طبیعت معلم این است. راجع به اوج صحبت کرده بودیم و چیزهایی خط کشیده بود. لکن می‌گویند درعین حال، معلم این خصوصیات را هم دارد و وقتی به محصل نگاه کند، آینده‌ای در او می‌بیند. می‌گفت در ناصیه روشن اوج چیزی را می‌بینم که خیلی برجسته است.

پشتیبانی مالی شما به اندازه چند موشک آزمایشی هم نیست

خب، بخش عمده پشتیبانی آقای جعفری و سپاه، پشتیبانی مالی است. پشتیبانی مالی لازم است و باید انجام بگیرد، اما با مراقبت؛ این را من اصرار دارم. اما اینکه خود پشتیبانی مالی را بعضی بگویند چطور و چرا؟ باید گفت اگر همه پشتیبانی‌های مالی فعالیت‌های شما را با هم جمع کنند، گمان نمی‌کنم به قدر خرج چند موشکی که ما به عنوان آزمایش انجام می‌دهیم، باشد.

گاهی با آقایان جلسه‌ای تشکیل دادیم و می‌گفتم باید تشخیص بدهیم که این آزمایش لازم است. آقایان چند نفری از بزرگان نیروهای مسلح می‌نشینند و می‌نویسند که بله این آزمایش برای این موشک لازم است و باید انجام بگیرد. خرج آن آزمایش‌ها مجموعاً شاید چند برابر همه مخارجی باشد که در جبهه فرهنگی، آقای جعفری خرج می‌کنند. بنابراین با هزینه کردن سپاه هیچ مخالفتی ندارم، البته با مراقبت. با خرج بی حساب و کتاب موافق نیستم؛ چه در پول‌های بزرگ و چه در خرج‌های کوچک. بایستی همه چیز با حساب و کتاب باشد؛ چون بالاخره مال بیت‌المال است.

قدر این کار را بدانید

یک مسئله اینکه قدر این کار را باید بدانید. این کار فرهنگی که قرارگاه قرب برعهده گرفته با مجموعه‌ای که زیرمجموعه‌اش است، کار بسیار مهمی است. این را باید قدر دانست. نباید رها کرد و باید وسایل استمرار آن را فراهم کرد. دستگاه‌های مسئول نه اینکه نخواهند؛ بعضی نمی‌توانستند و بعضی شرایط اداری‌شان اجازه نمی‌داد.

دیروز یک مسئول دولتی پیش من بود، می‌گفت متأسفانه ما بعد از انقلاب آمدم نظامات سیاسی و نظامی را دگرگون و منقلب کردیم و سپاه آوردیم؛ ولی نظامات اداری را نتوانستیم دست بزنیم. گاهی نمی‌توانند. گاهی چنان این شبکه آب، تنگ است یا آشغال درونش است که اصلاً اجازه نمی‌دهد آب از اینجا عبور کند. لذا بعضی از دستگاه‌ها نمی‌توانند و بعضی هم کوتاهی می‌کنند. اما شما الحمدلله کوتاهی نکردید. فرمود:

مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ

چراکه وعده تو کردی و او بجا آورد

البته این شیخ‌های عزیز ما همه جزو همان پیشروانی هستند که به وجود این‌ها افتخار می‌کنم. شیخی که گفتم مراد این‌ها نیستند.

جنگ اصلی ما فرهنگی است

ببینید، مسئله فرهنگ یک مسئله اصلی است. بنده بارها گفتم مثل هواست که تنفس می‌کنید. چه بخواهیم، چه نخواهیم، تنفس می‌کنیم. اگر فرهنگ غلطی بر جامعه حاکم باشد، چه بخواهیم، چه نخواهیم تحت تأثیر آن قرار می‌گیریم، بچه‌های ما تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. بایستی این هوا را تمیز کرد. لذا مسئله فرهنگ اهمیت زیادی دارد.

دشمن انقلاب، اول کار به این نکته توجه نداشت. اوایل انقلاب با روش جنگ سخت با انقلاب برخورد کردند. کودتا راه انداختند، جنجال‌های قومی و بعد هم جنگ راه انداختند. محاصره اقتصادی کردند، تهدید کردند؛ اما این‌ها اثر نکرد. جنگ، ملت ما را منسجم کرد. این جنگ واقعاً برای ما یک گنج بود. از ابعاد مختلف گنج بود. بعد متوجه شدند که راه شکست این انقلاب، کار سخت نیست؛ کار نرم است، کار فرهنگ است.

امروز یا دیروز بود در روزنامه‌ای از قول یکی از حضراتی که با آمریکایی‌ها خیلی صمیمی و رفیق است، نوشته بود بین ایران

و آمریکا یک انقلاب اسلامی نشسته است، تا این انقلاب اسلامی هست این دو به هم نمی‌رسند. اگر بخواهیم این دو تا به هم برسند باید انقلاب اسلامی را از وسط برداریم. این حرف درستی است. به فکر افتادند که به شکل مناسب و با شیوه فرهنگی انقلاب اسلامی را بردارند که واقعاً هم ممکن است. اگر غفلت کنیم این اتفاق می‌افتد. این جور نیست که تصور کنیم این جزو محالات عقلی است. بستگی دارد به اینکه این طرف چه کار بکنیم. لذا شبیخون فرهنگی و تهاجم فرهنگی شروع شد. ابتدا که ما گفتیم بعضی باور نکردند. حتی بعضی در تلویزیون حرف حقیر را که درباره تهاجم فرهنگی سخنرانی کرده بودم، صریحاً رد کردند. من خودم پای تلویزیون بودم و شنیدم. بعد ما یک قدم بالاتر رفتیم و گفتیم شبیخون فرهنگی. این مفهوم به تدریج خودش را تفهیم کرد. ابتدا هم دشمن مراکز اصلی تهاجم را نمی‌دانست؛ ولی بعدها فهمیدند و آتشبارها را به طرف مراکز اصلی مورد اهتمام، یعنی ستون‌های اصلی فرهنگی، روانه کردند. شماها که در کار فرهنگ هستید و رصد می‌کنید، غالباً بیشتر از من می‌دانید که این‌ها دارند چه کار می‌کنند؛ به خصوص با فناوری‌های جدید: یکی مسئله ماهواره، بعد مسئله فضای مجازی. دشمنان همه تلاششان را می‌کنند و واقعاً مجاهدت می‌کنند. خب، البته این طرف هم بیکار نبود. داریم مشاهده می‌کنیم.

وضعمان از قبل بهتر است

اعتقاد قطعی و عینی من این است که ما از لحاظ سطح فرهنگی در مجموعه کشور از گذشته وضعمان بهتر و سطحمان بالاتر است. از لحاظ کیفیت بهتریم، از لحاظ کمیّت هم اتفاقاً بهتریم. دهه شصت که بعضی از شما در دنیا تشریف نداشتید و بعضی هم در جریان مسائل نبودید، کسانی بودند که علناً علیه جنگ و دفاع مقدس حرف می زدند؛ علیه همان چیزی که حالا این قدر مقدس است. مخالفین زیادی داشت. کم نبودند خانواده هایی که به جنگ کاری نداشتند. ما آن هایی که جبهه می رفتند، می شمردیم. چقدر خانواده ها و جوان هایی که اصلاً نگاه هم به جبهه نکردند. من یک نوشته ای را نمی خواهم اسم بیاورم، کتاب مفصل معتبری را که نامه های اشخاصی است به یک شخصیت محترم داخل کشور که آن شخصیت هم آدم حسابی است. نامه ها را منتشر کرد. آنجا یکی از افرادی که در یکی از ایالات آمریکا ساکن است

- البته بعد از انقلاب ساکن شده و من آن شخص را هم از نزدیک می‌شناسم، دکتر بود و بنده یک دفعه به او مراجعه کرده بودم - نامه می‌نویسد به این رفیق تهرانی اش. پنج شش نامه است برای همان دوران جنگ. از همهٔ مسائل گوناگون، هم خبر می‌دهد و هم خبر می‌گیرد؛ اما یک کلمه راجع به بمباران تهران نمی‌گوید که آقا تهران شنیدیم مثلاً بمباران شده است! یک کلمه راجع به اینکه بالاخره کار جنگ به کجا رسید، نمی‌پرسد! بالاخره اینجا کشور توست، خانهٔ توست که به آن حمله شده است؛ حمله به جمهوری اسلامی که نشده بود، حمله به ایران شده بود. اما یک کلمه در این نامه‌ها نیست! من در حاشیهٔ کتاب یادداشت کردم که این عبرت است.

کم نبودند کسانی که جنگ را نادیده می‌گرفتند. پس، امروز اگر شما ببینید فلان جوان، فلان خانواده، فلان شخصیت فرهنگی یا سیاسی به مسائل انقلاب اعتنایی ندارد، خیلی نباید تعجب کنید. آن زمان که جنگ بود و آتشفشانی بود، بی‌خیال و بی‌اعتنا به این مسائل می‌رفتند و می‌آمدند و کار خودشان را می‌کردند و گردش خودشان و سفر خارجی خودشان را می‌رفتند. مقاله‌ها و کتاب‌های خودشان را می‌نوشتند و شعرهای خودشان را می‌گفتند. اصلاً نگاه نمی‌کردند حادثه‌ای به این عظمت در کشور اتفاق می‌افتد. الان تعجیبی ندارد اگر یک عده توجهی ندارند.

محصولات بین‌المللی جبههٔ انقلاب

علاوه بر این، فکر انقلاب و نگاه انقلاب رشد پیدا کرده است. شما الان می‌گویید محصولاتتان در لبنان و مصر و ترکیه هست. امروز خبر می‌خواندم که فیلمی ایرانی در مصر رفته و جایزه گرفته یا در ترکیه و عراق پخش شده. همین جور محصولات انقلابی شما دارد پیش می‌رود. حالا در کن ممکن است فیلمی که مورد توجه قرار می‌دهند با انگیزه‌های سیاسی چیز دیگری باشد و فیلم شما را مورد توجه قرار ندهند؛ اما آن ملاک نیست. ملاک این است که در محیط‌های نفوذپذیر فکری و عاطفی، کدام فیلم حضور دارد، کدام فیلم کار می‌کند. این در جبههٔ انقلاب کار می‌کند. البته دشمن ما همچنان ناشیگری می‌کند و خیلی جاها اشتباه و خطا می‌کند، ان شاء الله ما از خطاهایش استفاده کنیم.

لزوم گسترش چتر انقلاب

عمده نظر و هدف شما این باشد که چتر گفتمان انقلابی را در کشور باز کنید. بر روی سر همه کشور باز کنید. این کار بسیار هم دشمن دارد. کسانی هستند که سعی می‌کنند سفره گفتمان انقلاب را جمع کنند تا دیگر تفکر انقلابی وجود نداشته باشد. از اسم انقلاب هم خوششان نمی‌آید. از تفکر انقلابی هم خوششان نمی‌آید. از شاخصه‌های معروف انقلاب، یعنی استکبار و استضعاف و عدالت اجتماعی هم خوششان نمی‌آید؛ شاخصه‌هایی که در کلمات امام رحمته الله بود. از این‌ها خوششان نمی‌آید. وقتی گفته می‌شود، استقبال نمی‌کنند و گاهی هم عکسش را بیان می‌کنند.

در کشور هستند کسانی که معتقدند بایستی کشور را بکشانیم به سمت پیوستن به غرب. منطقشان هم این است که اگر بخواهیم کشور پیشرفت پیدا کند، بایستی به غرب پیوسته شود و طبعاً پیوستن به غرب یعنی دنباله‌روی غرب باشیم. می‌گویند وقتی کشوری فاصله فاحش علمی و فناوری دارد و می‌خواهد به کشوری که جلوتر است پیوندد، باید دنباله‌روی او باشد و منطقشان هم این است که پیشرفت بدون این نمی‌شود. دیگر توضیح نمی‌دهند که مهر و موم‌های متمادی که کشور این راه را رفت، چه شد؟

بعد از انقلاب مشروطیت، چند دهه پهلوی‌ها سر کار آمدند و تصمیم گرفتند کشور را از لحاظ فکری و فرهنگی و مبانی اعتقادی و مظاهر زندگی کاملاً غربی کنند. تصمیم گرفتند و برنامه‌ریزی کردند و عمل کردند. کشف حجاب، برداشتن عمامه‌های روحانیون و تعطیلی حوزه‌های علمیه از این کارها بود. این‌ها چیزهای آشکار بود و چیزهای پنهان فراوانی هم وجود دارد. ترویج فلسفه‌های غرب در ایران از کارهای عادی نیست. این کارها کاملاً با محاسبه انجام گرفته است.

خیلی حرف داریم در این موضوع که حالا مجال گفتنش نیست. آدم‌هایی کتاب‌ها را ترجمه کردند که وابستگی‌هایشان به غرب از لحاظ فکری و سیاسی واضح بود. این کارها را با حساب و کتاب

انجام می‌دهند. خب، در این پنجاه‌شصت سال کشور چه پیشرفتی کرد؟ چه هنری کردند؟ چه گلی به سر این ملت زدند؟

من یکی دو بار شاید این را گفتم، کشور مصر را شما نگاه کنید. از زمانی که عبدالناصر از دنیا رفت تا زمانی که بیداری اسلامی اتفاق افتاد، سی و چند سال گذشت. انقلاب اسلامی هم سی و چند ساله است. شما ببینید در طول این سی و چند سال، ایران از کجا به کجا رسیده است؟ همین را در مصر مطالعه کنید، ببینید چه اتفاقی آنجا افتاده است. این را خودِ مصری‌ها گفتند که ایران موشک می‌سازد و پرتاب می‌کند و فضاپیما دارد، ولی ما هنوز گرفتاریم که مسائل کوچک را چه جوری حل و فصل کنیم.

وابستگی به غرب نه فقط پیشرفت ایجاد نمی‌کند، بلکه ضد پیشرفت است. اینکه ضد پیشرفت است، رجزخوانی نیست، حرف بی‌منطق نیست. اگر بنا باشد راجع به این قضیه صحبت کنیم، یکی دو ساعت می‌شود استدلال کرد. حرف، پشتوانهٔ منطقی دارد. بنا دارند گفتمان انقلاب را یواش یواش کم‌رنگ کنند و جایی از آن را بزنند و جایی را ببرند تا صورت بی‌جانی از آن باقی بماند. شما باید نقطهٔ مقابل عمل کنید. یعنی هدف اصلی پس این شد که گفتمان انقلاب گسترش پیدا کند و چترش تمام ملت را دربر بگیرد و در دل‌ها نفوذ کند.

در دل‌ها نفوذ کنید

نکته‌ای که باز تأکید خواهم کرد، این است که باید در دل‌ها نفوذ کرد. این کارها خیلی کارهای خوبی است که انجام گرفته، اما ارزیابی کنید ببینید این کارها چقدر در دل‌ها نفوذ کرده است؟ چقدر دل جذب کرده است؟ به خصوص که جوان‌های نسل کنونی غالباً از حقایق، اطلاع درستی ندارند.

جوان‌ها «روایت» دارند، ما «درایت» داریم. ما از قبل از انقلاب و دوران انقلاب و پیروزی انقلاب درایت داریم و این‌ها را دیدیم و لمس کردیم. جوان‌های امروزه از قبل از انقلاب خبر دارند، نه از مقدمات تحرک انقلابی خبر دارند، نه از خونِ دل‌هایی که خورده شد و کارهایی که انجام گرفت اطلاع دارند. حتی از جنگ و دفاع مقدس هم اطلاع ندارند. باید این مسائل برای این‌ها تبیین شود. این جزو کارهای اساسی شماست که به نظر من در برنامه‌ریزی‌هایتان حتماً یک بخش را به این اختصاص بدهید.

پهلوی‌ها وقتی روی کار آمدند، یکی از اولین کارهایشان، خراب کردن چهره قاجار بود. البته قاجار چهره قابل تمجیدی ندارد؛ اما پهلوی آن چنان چهره قاجاری را خراب کرد و زشت جلوه داد که همه بگویند خدا پدر پهلوی را بیامرزد که ما را از دست آن‌ها نجات داد. ما این کار را در مورد پهلوی نکردیم؛ در حالی که چهره پهلوی‌ها به مراتب زشت‌تر از چهره قاجاری‌هاست. نمی‌دانم شما خاطراتی که رجال سیاسی پهلوی در مهوروموم‌های آخر نوشتند و بعضی‌هایش قبل و بعضی بعد انقلاب چاپ شد، دیدید یا نه؟ من پشت یکی از کتاب‌ها نوشتم واقعاً انقلاب اسلامی، ملت ایران را از یک سقوط وحشتناک نجات داد. اگر آن‌ها سر کار می‌ماندند و نسل بعدشان هم می‌آمدند، نمی‌دانم چه بلایی با این بی‌ایمانی و با این سستی بر سر کشور می‌آوردند! واقعاً خطرهای بزرگی را برای کشور ایجاد کردند. خودشان بد، اطرافیان‌شان بد، محمدرضا بد، علم بد، منصور بد، هویدا بد، همه بد، دوروبری‌هایشان بد، دل‌هایشان بد، عقایدشان بد، رفتارهایشان بد. جوان‌های ما از این قبیل چیزها اطلاعی ندارند. درزمینه رفع حیا، درزمینه ترویج فساد، درزمینه ارتکاب فساد، فسادهای مالی که هیچ، فسادهای جنسی و فسادهای گوناگون، اصلاً انسان گیج می‌شود وقتی که می‌بیند و می‌شنود و می‌خواند.

دستاوردهای انقلاب را نشان دهید

یکی هم مسئله دستاوردهای انقلاب است. ما در مورد نشان دادن دستاوردهای انقلاب هم کم کاری داریم. الان عده‌ای می‌گویند درزمینه اقتصادی اختلال هست، فلان هست، بله! اما نقاط قوت را مورد توجه قرار نمی‌دهند. انقلاب اسلامی درزمینه زیرساخت‌های کشور، اگر مبالغه نباشد، کاری شبیه معجزه انجام داد. زیرساخت‌هایی که در کشور ایجاد شده چیز عجیبی است. امروز با این زیرساخت‌ها کشور می‌تواند در هر رشته‌ای سرمایه‌گذاری کند، یعنی منابع مالی صرف کند و آدم‌های متناسب را پیدا کند و بگمارد. می‌تواند با دنیا رقابت کند. کما اینکه در بعضی جاها می‌بینید خبر می‌دهند در نانو رتبه مثلاً چهارم یا سوم یا رتبه هشتم دنیا ییم. این خیلی مهم است. کشوری که در ته جدول علمی دنیا

قرار داشته حالا چیزی در ردیف رتبه‌های اول و دوم و سوم دنیا قرار می‌گیرد.

یکی دیگر، مقوله خدمات است. خدماتی که انجام گرفته در این کشور واقعاً بی‌نظیر است. اگر این خدمات را به عدد سال‌ها و ماه‌ها توزیع کنید، آن وقت به شما ثابت می‌شود که این همه خدمات گوناگون به مردم چقدر فراوان است. البته گفتن زبانی نتیجه خوبی ندارد و گفتن هنری می‌خواهد. حالا در کنار این‌ها سیاه‌نمایی هم زیاد می‌شود.

یکی از دوستان دربارهٔ صراحت پرسیدند. صراحت چیز خوبی است، اما مواظب باشید سیاه‌نمایی نشود. این جور نشود که چیزی را که نیست، هست نشان بدهیم، ولو ناخودآگاه و چیزی را که هست، یک کلاغ چهل کلاغ کنیم، باز هم ناخودآگاه. به مجرد اینکه یک اتهامی به دستگاهی یا کسی یا شخصیتی متوجه شد، اولین تأثیر، تأثیر پذیرش در دل‌هاست. تا وقتی بحث کنند و برطرف کنند. به این‌ها توجه کنید. به خصوص در کشور هم متأسفانه این سیاه‌نمایی‌ها باب شده است، به خصوص در فصل انتخابات. برای اینکه رقیب‌ها همدیگر را بزنند، به جان نظام می‌افتند. به جای اینکه همدیگر را کتک بزنند، مثل دو برادری که باهم دعوا دارند، به جای اینکه به هم بزنند، پدر را کتک می‌زنند؛ این جور به جان نظام می‌افتند و دعوا می‌کنند.

توجه به اخلاق

یکی از چیزهایی که در گزارش‌های شما خیلی پررنگ نبود، مسئله گسترش اخلاق و فضائل اخلاقی بود. هم در کارهای مربوط به بنیاد فرهنگی خاتم‌الاولیاء صلی الله علیه و آله که کارهای وسیعی دارد، هم در اوج، هم در فضای مجازی و هم در شبکه تلویزیونی، به نظر من روی این سرمایه‌گذاری کنید. ما باید مردم را با اخلاق تربیت کنیم و با اخلاق بار بیاوریم. همین مسئله اجتناب از تهمت، اجتناب از غیبت، اجتناب از حسادت، اجتناب از بی‌وفایی، اجتناب از بدعهدی، اجتناب از جبن، اجتناب از بخل. همین‌هایی که در دعا‌های ما هست. دعاها درس است. «اللهم انی أعوذ بك من الكسل والفشل والجبن والبخل والغفلة والقسوة...» چیزهایی است که به خدا پناه می‌بریم و بایستی خود را از این‌ها دور و به فضائل اخلاقی نزدیک کنیم. یکی از فضایل اخلاقی، حیاست. حیا امروز یکی از چیزهایی است که دشمنان ما دارند ترویج می‌کنند تا از ما بگیرند، به خصوص در فضای مجازی و فیلم‌های ماهواره‌ای. حیا را از بین می‌برند و بی‌حیایی را باب می‌کنند. حیا خیلی چیز مهمی است و جلوی فسادهای جنسی با ترویج حیا گرفته می‌شود.

اهمیت بخش اندیشه‌ورز

تقویت بنیه معرفت دینی که در گزارش‌های دوستان هم بود کاملاً درست است. احساسات خوب است. بنده با کسانی که مخالف تحریک احساسات‌اند، موافق نیستم. در همین ماجرای اربعین چیزی که مردم را حرکت می‌دهد، عواطف است. اصلاً دنیا را تکان می‌دهد. البته عواطف و احساسات می‌تواند پوچ باشد یا می‌تواند متکی به مبانی باشد. این مبانی را باید در اذهان تقویت کرد. مبانی برانگیزاننده عواطف و احساسات را بایستی تقویت کرد.

بنیه‌های فکری خیلی مهم است. نباید از آن غافل شد. اینکه من به جمع اندیشه‌ورزان دینی تأکید کردم، برای این است. حالا خوشبختانه آقایان اینجا تشریف دارند و همه صاحب فکر و صاحب بیان گویا و فکر آگاه هستند. این جمع، تازه تشکیل شده است؛ ولی بایستی همان چهارپنج سال پیش تشکیل می‌شد و پیش می‌رفت. آقایان هم البته یک سر دارند و هزار سودا! هر کدامشان اشتغالات فراوانی دارند. بایستی وقت گذاشته شود.

نقش مجموعه اندیشه‌ورز باید مشخص شود؛ چه اندیشه‌ورز دینی در این بخش، چه اندیشه‌ورز سازمانی و مدیریتی. اندیشه‌ورزها باید بنشینند، کار کنند و نقششان در رابطه با اجرا و عمل و خروجی‌ها مشخص شود.

شورای مشورتی فرق می‌کند با هیئت اندیشه‌ورز. اندیشه‌ورزی برای این است که پایه‌های فکری را محکم کند. شورای مشورتی این است که ما مشورت می‌کنیم. زمانی حضرت امام فرمودند در این قضیه قانون اساسی کسی گفته من مشورت کنم، ولی نگفته که مشورت شما را قبول کنم. بنابراین مشورت اعم از این است که در مجموعه شما تأثیرگذاری داشته باشد.

حالا همین جا متذکر شوم که دیگر این کلمه اتاق فکر را هم به کار نبرید. اتاق فکریک تعبیر فرنگی است. گرتة برداری شده از تعبیر فرنگی ست. کما اینکه این «برخط» را هم درست کنید.

شما الحمد لله اهل زبان و فرهنگید. «برخط» ترجمه تحت اللفظی «آنلاین» است. مثلاً بگویید «بی درنگ» یا «بلادرنگ». یک تعبیر کنایی برای فوریت. بگویید «بی درنگ»، «با درنگ» به جای «آنلاین» و «آفلاین». حالا سلیقه من این است، شما سلیقه من را عمل نکنید، چیز بهتری خودتان پیدا کنید. یعنی این تعبیرات گزیده برداری شده را شماها حتی المقدور از فرهنگ کارتان خارج کنید. شما مرجع و مبنا هستید.

بنابراین باید اندیشه ناب اسلامی رواج پیدا کند. این «طرح ولایت» که حضرت آقای مصباح (ادام الله بقائه) راه انداختند، بسیار چیز خوبی است و باید ادامه پیدا کند. ایشان هم فکرش را کرد، یعنی هم منبع فکری داشت، هم ابزار کار داشت؛ یعنی طلبه‌ها را. این جور کارها برای شما تجربه است. از این تجربه‌ها استفاده کنید.

مخاطبتان را زیاد کنید

اما درباره مسئله خلق مخاطب که گفتیم، در واقع به معنای کشف مخاطب است. یعنی شما برای خودتان مخاطب درست کنید. درست کردن به معنای تولید اصطلاحی نیست، به معنای این است که در این مجموعه انسان‌هایی که در این کشور هستند و می‌توانند مخاطب رسانه باشند - حالا که کار با رایانه و فضای مجازی به بچه‌های سه چهارساله هم رسیده؛ گاهی در همان اثنای بازی چیزی را کشف می‌کنند که بزرگ‌تره‌ایشان آن را نفهمیدند، یعنی این دایره وسیع شده - شما در این مجموعه، مخاطبان خودتان را مشخص کنید و افزایش دهید. یعنی مخاطبتان فقط آن جوانی که از پیش به شما معتقد است، نباشد.

«گر آن بیگانه هم با ما نشیند آشنا خیزد»، اگر بیگانه هم با شما نشست، باید آشنا وارد شود. به تعبیر رایج، قشر خاکستری و حتی قشر از خاکستری متمایل به طرف سیاه را هم باید بزباید و جذب کنید.

گزارش مهم نیست، خروجی ملاک است

من خیلی شماها را دوست دارم و اصلاً قدر شماها را خیلی می دانم. به صدق شماها کاملاً یقین دارم. این گزارش هایی که شما می دهید همه اش را قبول دارم که گزارش های واقعی است. منتها همه این گزارش ها نشان دهنده واقعیت خروجی نیست. یعنی خروجی کار شما آیا با همان حجم و همان کیفیتی است که در گزارش شما نشان داده می شود؟ معلوم نیست. نه اینکه من نسبت به این گزارش سوءظن دارم، ابداً! واقعاً شماها را صادق می دانم، ولی در عین حال سی و چند سال است با دستگاه های اجرایی سروکار دارم و مرتباً گزارش دادند. خود من هم یک آدم تا حدودی میدانی بودم. قبل از ریاست جمهوری دائم در میدان بودم. از نزدیک نگاه و ارزیابی می کردم. می توانستم بفهمم گزارش ها چه جوری است. الان هم با بدنه جامعه بی ارتباط نیستم. مثلاً فرض کنید صداوسیما می گوید ما فیبر نوری را تا همه جا بردیم و تصویر ما به

همه جا می‌رسد. بعد، از فلان روستا به من نامه می‌نویسند که آقا ما تصویر که نداریم هیچ، صدا هم نداریم! دفتر ارتباطات مردمی ما هم منتظر همین چیزهاست، فوراً نامه را برای من می‌فرستد. نه اینکه صداوسیما خلاف گفته، راست گفته است؛ اما خُب واقعیت این است که گزارش‌هایی که راست هم هست، اما با خروجی‌ها تطبیق نمی‌کند.

بروید ببینید خروجی‌هایتان چیست؟ شما می‌توانید ببینید.

اگر نمی‌توانستیم، تکلیف از ما خواسته نمی‌شد

اینکه می‌گوییم شما می‌توانید، یک حرف احساساتی نیست، مستند به بیان قطعی الهی است ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (آیه ۲۸۶ سوره بقره). ما معمولاً هر کاری که یک خُرده سخت بود و مشکل بود و دستمان نرسید، می‌گوییم من دیگر بیشتر از این تکلیف ندارم. اما این یک طرف قضیه است و یک جاهایی درست است. اما از آن طرف انسان می‌بیند خدا تکالیفی به انسان داده ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (آیه ۳۳ سوره توبه) بایستی این دین لیُظْهِرَهُ، یعنی غلبه پیدا کند. اما خدا که مستقیم غلبه نمی‌دهد، به وسیله شما غلبه می‌دهد. شما باید بتوانید این دین را، این اندیشه را، این فکر ناب را، این برنامه زندگی را بر تمام بشریت تطبیق بدهید و غالب کنید. این را خدا به عهده من و شما واگذار کرده است. اگر وُسع ما نبود که واگذار نمی‌کرد. از این طرف قضیه نگاه کنید، وقتی تکلیف سنگین روی دوشتان هست، بدانید که وُسعان هم هست. به جای اینکه بگوییم این تکلیف سنگین است، پس وُسع من نیست و تکلیف برداشته است، بگویید این تکلیف از ما خواسته شده است؛ پس ما می‌توانیم، اگر نمی‌توانستیم از ما خواسته نمی‌شد.

الان در دورانی هستیم که تقیه به معنای خاص خودش نداریم. در دورانی هستیم که اسلام قدرت سیاسی دارد و در این دوران از ما خواسته شده است. زمانی می‌گفتند اخوان المسلمین دو میلیون عضو دارد، این یک جریان بود؛ اما قدرتی نداشت. این دو میلیون در هر کشوری بودند، به راحتی از طریق بخش‌های امنیتی دولت‌ها تعطیل و دستگیر می‌شدند، کما اینکه شدند. این خاصیت اسلام بی‌قدرت است. هیچ‌کس از اسلام بی‌قدرت نمی‌ترسد. حتی بعضی‌ها این اسلام بی‌قدرت را تأمین و تقویت می‌کنند و حتی کمک مالی هم می‌کنند. از اسلام با قدرت می‌ترسند، اسلامی که تجهیزات و دولت و سیاست خارجی و نیروهای مسلح دارد، اسلامی که متفکرین را زیر چتر می‌آورد. از این اسلام می‌ترسند. این اسلام الان دست شماست و شما می‌توانید خیلی کارها انجام بدهید. بسیاری از کارها را می‌توانید انجام بدهید. معتقدم می‌توانید. الان همین کارهایی که شما کردید همین اوج و افق و... ده سال پیش اگر کسی می‌گفت این کارها بناست انجام بگیرد، غالباً می‌گفتند آقا، مگر می‌شود؟ اما خب شما انجام دادید و توانستید. بنابراین، مخاطب را فقط بچه‌های انقلابی نگذارید.

مطمئن شوید کتاب‌ها خوانده می‌شود

در مسئله سیر مطالعاتی هم که گفتید خوب است، منتها مصرف کتاب را هم نگاه کنید. شمارگان چاپ شده کتاب‌های انقلابی بالاست؛ ولی باید خوانده شود، صرف خریدن کافی نیست. خاطر جمع شوید کتاب خوانده شود.

در حوزه فکری مستند بسازید

کارهای قوی تلویزیونی هم به فکرش هستید. در بخش مستند خوشبختانه ما توانایی‌هایمان خیلی خوب است. بچه‌ها خوب کار کردند. منتها مستندهایی برای تقویت فکر مخاطب بسازید. یعنی با این نیت و هدف درست کنید که جوان بتواند مجادله و مبارزه کند.

پیوند فعالیت‌های فرهنگی به اجتماعی

نکتهٔ دیگر هم وصل کردن کارهای فرهنگی به کارهای اجتماعی است. این اردوهای جهادی خیلی قیمت و ارزش دارد. شما وقتی در اردوی جهادی در روستایی، مدرسه تعمیر می‌کنید یا مسجد و غسلخانه می‌سازید و...، وقتی با اخلاق خوب رفتار می‌کنید و با بچه‌های آن‌ها مرتبط می‌شوید، آن وقت رفتار شما به طور طبیعی منعکس می‌شود. اگر مثلاً دویست گروه جهادی در هر فصلی داشته باشیم که کار کنند، بعد در طول سال با ضریب بالایی تعدادش افزایش پیدا می‌کند و این در سطح کشور تأثیر مهمی خواهد گذاشت. این همان افزایش کیفیت و کمیّتی است که عرض کردم دارد حاصل می‌شود؛ از این‌ها استفاده کنید.

بحث آسیب‌های اجتماعی خیلی مهم است. ما چند شب قبل از این جلسه‌ای داشتیم، سه ساعت طول کشید. البته جلسه شما سه ساعت بیشتر شده است. نشستیم بحث کردیم و حرف زدیم راجع به مسائل مربوط به آسیب‌های اجتماعی. خیلی مهم است. در این زمینه‌ها هم بخشی از گروه‌های فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی هست که قطعاً می‌تواند موضوع کارهای شما قرار بگیرد. مثلاً در مورد خدماتی که عرض کردم کاری در منطقه جنوب شرقی کشور به نام «قلعه گنج» انجام شده است. آنجا مثلاً وزارت کشور اقدامی انجام داده است که آن شب گزارش دادند. این موضوع یک مستند می‌تواند باشد. خود این می‌تواند الگویی برای اقتصاد مقاومتی باشد. در آن منطقه فقیر که مردم واقعاً فقیر هستند، از مردم همیاری خواستند و مبلغ کلانی با همان بضاعت اندکشان جمع شد و یک صندوق درست کردند برای اعانه و وام قرض الحسنه. یعنی مردم وقتی صداقت دیدند، توی میدان وارد می‌شوند.

ساختن آدم‌ها مهم‌تر از تولید فیلم است

در مورد تولیدات سینمایی، ساختن آدم‌ها مهم‌تر از ساختن فیلم‌هاست. این خیلی مهم است. من در مورد تولید محصولات کشور می‌گویم تولیدی که در داخل میسر است از خارج نیاید؛ چون نیروی داخلی انگیزه‌اش ضعیف و توانایی‌اش کم می‌شود. عین این قضیه در مورد اوج و افق هم هست. اگر شما به فلان کارگردانی که فیلم‌های خنثی و گاهی منفی می‌سازد یک پول حسابی دادید، الحمدلله پول هم توی دست و بال شما کم نیست، و از او خواستید در موضوع مورد علاقه شما فیلمی بسازد، او هم ساخت و خوب هم از آب درآمد، این خیلی به درد شما نمی‌خورد. کسی که فیلم خنثی می‌سازد، نوکر بادمجان است. ارباب به نوکر گفت: بادمجان خوب است یا بد؟ گفت: شما چه می‌فرمایید؟ من نوکر شما هستم، هرچه شما بگویید.

زمانی شما هوشمندانه یک کارگردان می‌آورید و با او کار می‌کنید تا به شما بپیوندد و جذب شود، این خوب است. بنده هم از اول انقلاب در آن بخش‌هایی که می‌توانستم، مثل شعر، همین کار را کردم. اما سفارش دادن به خارج از مجموعه و آدم بیگانه درست نیست؛ درحالی‌که در داخل مجموعه شما آدم‌هایی هستند که می‌توانند این کار را انجام دهند.

حالا شما می‌گویید ما الان کسی نداریم، خب بگذارید همین جوان‌های خودی، دوتا سه تا فیلم خراب کنند، فیلم چهارمشان خوب خواهد شد. من اصرار دارم بر اینکه شما، به قول خودتان، کادرسازی کنید. البته کلمه «کادر» را نمی‌دانم در مقابلش چه بگذاریم که این کلمه فرنگی را به کار نبریم.

بایستی کارهای شما از لحاظ کیفیت و از لحاظ کمیت ان شاء الله بر سینمای کشور غلبه کند. سینمای کشور وضع خوبی ندارد. بنده از سال گذشته به توصیه یکی از دوستان تصمیم داشتم در مورد سینما یک جریانی را دنبال کنم، منتها متأسفانه وقت نکردم. حالا شماها که اهل این کار هستید، کاری کنید که در سینمای کشور غلبه کنید. همتان را هم در ساخت فیلم بالا ببرید. همت کنید سالی بیست تا فیلم با کیفیت بسازید. شما اگر همت کنید، می‌توانید.

باور نمی‌کنید چقدر به شما اعتقاد دارم

یعنی واقعاً توانایی شما بیش از این است. قدرت شما بیش از این است. شماها خیلی در خودتان ظرفیت دارید. ببینید، دست انسان در حالت معمولی و بدون تمرین، قدرت زیادی ندارد و تأثیری نمی‌گذارد. اما حالا بروید باشگاه کاراته. چند ماه آنجا کار کنید بعد بیایید بیرون. با همین دست می‌توانید بازوی کسی را هم بشکنید. این همان دست است دیگر. ظرفیتی در این هست که شما آن ظرفیت را قبلاً کشف نکرده بودید. مثلاً ژیمناست‌ها چه کارهایی می‌کنند؟ خب، بدن انسان مگر چقدر کشش دارد؟ مگر چقدر انعطاف در بدن ایجاد می‌شود؟ اما ژیمناست انواع و اقسام انعطاف‌ها را انجام می‌دهد. این بدن، قبلاً خام بود و نمی‌توانست این کارها را انجام دهد؛ اما این استعداد در او هست. باید این استعداد را شناخت و استخراجش کرد. این استعداد در شما هست. من معتقدم شما می‌توانید این کار را انجام دهید. ما خیلی به شماها معتقدیم. شاید خودتان باورتان نشود چقدر به شما اعتقاد داریم.

تعامل با حوزه هنری و صداوسیما

با صداوسیما و حوزه هنری و... هر چه می‌توانید، تعامل کنید. شبکه افق هم که در جلسه سال ۹۲ آقای جعفری اشاره کردند و مطرح کردید من هم حقیقتش خیلی باورم نمی‌آمد بشود این کار را انجام داد؛ ولی الحمدلله صداوسیما قبول کرد و شماها وارد شدید و کار انجام شد. البته چند ماه هم همه را سر کار گذاشتید و هر وقت تلویزیون را روشن کردیم، دیدیم دارد همین طوری خط و خطوط نشان می‌دهد.

به مدیریت صداوسیما، آقای عسگری کمک کنید. این آقای عسگری خیلی آدم به درد بخوری است. هم اهل کار است، هم جدی و علاقه مند و واقعاً دلسوز است. هر چه می‌توانید به ایشان کمک کنید، ایشان هم استقبال کنند. جوری عمل کنید که مدیریت سازمان دو شقه نشود.

فضای مجازی قتلگاه جوانان شده

خیلی دارد وقت می‌گذرد. من البته معمولاً ساعت ده می‌خوابم. حالا باید برویم شام هم بخوریم و بعد بخوابیم.

فضای مجازی را نمی‌شود آدم مطرح نکند. فضای مجازی حقیقتاً قتلگاه جوانان ما شده است. الان منطقه‌ی عظیمی از فضای مجازی در اختیار دشمن است و هر کار دلش می‌خواهد در آن فضا می‌کند. انواع ضربه‌ها را به ما در فضای مجازی وارد می‌کند. شما البته کار کردید و خیلی هم خوب کار کردید؛ ولی این کافی نیست. کارهای ابتکاری باید بکنید. باید دشمن را از فضای مجازی کشور برانید و بتارانید. این باید نتیجه و نهایت کار شما باشد. البته یک تحول هوشمندانه‌ای در فضای مجازی بایستی انجام بگیرد. تشکیل هیئت‌های اندیشه‌ورز قوی و پیدا کردن راهکار، برای همین موضوعات است. شما واقعاً به هیئت‌های اندیشه‌ورز احتیاج دارید. مثل خود شماها افرادی هستند که بر این فضا مسلط‌اند.

همه جوان و همه علاقه مند و همه معتقدند و می توانند کار کنند. همین آقای دکتر انتظاری هم که قبلاً بود، از جمله همین هاست؛ هم مسلط از لحاظ اطلاعات فنی و هم آدم خوبی است که ان شاء الله آقای جعفری حمایت کنند.

یک شبکه پیام رسان وسیعی با ظرفیت ۲۰ میلیونی ایجاد کنید. یعنی واقعاً کاری کنید که مردم احتیاجی به شبکه تلگرام نداشته باشند. همت را بر این قرار دهید، شما می توانید.

ورود هوشمندان به فضای مجازی

سؤال از من شده که آیا این جبهه مردمی انقلاب و جبهه‌ای که بنیاد خاتم‌الاولیاء صلی الله علیه و آله راه انداخته، آیا این‌ها در شبکه‌های مجازی وارد بشوند یا نه؟ به نظر بنده ورود هوشمندان خیلی خوب است، منتها حواستان هم باشد آدم‌هایی و گروه‌هایی وارد شوند که اثرگذار باشند، نه اثرپذیر. کسانی که میدان را از دست دشمن خارج کنند. نشود حکایت غلام و جوی که:

شد غلامی که آب جوی آرد / آب جوی آمد و غلام ببرد

جبهه‌ای مردمی تشکیل دهید

یک نکتهٔ اساسی و یک دغدغهٔ مهم من دارم و آن این است که قرار ما از اول که این حرف‌ها مطرح شد و شماها وارد میدان شدید، این بود که ما یک جبهه تشکیل بدهیم، یک جبههٔ مردمی تشکیل بدهیم. اگر قرار باشد که ما چندتا سازمان درست کنیم که می‌شود سازمان درست کرد. اما آن مورد نظر ما نیست. این سازمان‌ها باید کارستادی بکنند.

مردم باید خودشان از انقلابشان دفاع کنند. مردم بایستی وارد میدان افاده و استفاده بشوند. حواسمان باشد که به تدریج تبدیل به یک موجود متحجر نشویم. یک واحد انقلابی و مردمی اول تشکیل می‌شود، بعد به مرور همین‌طور تبدیل می‌شود به یک شیء متحجر و بسته و منقطع. این اتفاق نباید بیفتد. به شدت مراقب این معنا باشید، به خصوص مجموعه خاتم‌الاولیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که این رقم‌هایی که شما گفتید، رقم‌های افسانه‌ای است؛ هزارتا هیئت، دوهزارتا فلان. خب، خیلی مهم است ارتباط با این‌ها به نحوی باشد که این‌ها فعال باشند و فعال بمانند تا واقعاً به معنای واقعی کلمه، جبهه محسوب بشود.

مرجع نهایی، فکر و خط امام است

خب، مجموعه هسته فکری دینی هم که بحمدالله تشکیل شده است. البته ما اصرار داریم مؤثر باشند و کار بکنند و تکیه‌گاه مطمئنی برای کل مجموعه باشند. جهت‌گیری فکری کل مجموعه هم طبعاً جهت‌گیری امام و انقلاب باشد.

البته آقایانی که می‌شناسم جز این هم نخواهد بود. ممکن است بین نفرات در مسائل حاشیه‌ای یا فرعی یا حالا نیمه‌فرعی اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد. بالاخره باب اجتهاد است و اختلاف نظرهایی وجود دارد. اینجا بایستی مرجع حل نهایی را نظرات امام و خط امام قرار داد. البته اگر بشود این مجموعه روحانی و فکری، مدیریتی از میان خودش، برای خودش درست کند. تجربه ما این را نشان می‌دهد که مجموعه‌هایی که رئیس ندارند، پیشرفت کارشان کمتر از مجموعه‌هایی است که رئیس دارند.

هم‌افزایی خاتم و اوج و سراج

گزارش‌هایی هست که مجموعه‌های بنیاد و اوج و سراج خیلی باهم هم‌افزایی ندارند. اگر واقعیت دارد، حتماً این را علاج کنید، حتماً علاج کنید. یعنی ناهماهنگی بین مجموعه‌های زیرمجموعه قرارگاه وجود نداشته باشد. قرارگاه اصطلاح خوبی است. جایی است که از جاهای مختلف نیرو می‌گیرد و تحت امر قرار می‌دهد، یعنی کنترل وضعیت و مأموریت و کنترل عملیاتی می‌کند، انگار باهم هماهنگ‌اند. یعنی زمان جنگ مثلاً قرارگاه کربلا بود که آقای جعفری بودند، فرض کنید از لشکر نصر یا عاشورا یا لشکر سیدالشهدا از هر کدام یک یا دو یا سه واحد نیرو می‌گرفت و کنترل عملیاتی می‌کرد. هماهنگی این‌ها با اوست. یعنی حتی آن‌ها از یگان اصلی خودشان، از لحاظ عملیاتی، منقطع می‌شدند و زیر نظر قرارگاه قرار می‌گرفتند. باید چنین حالتی وجود داشته باشد. باید هماهنگی حتماً وجود داشته باشد. حالا راه این هماهنگی چیست؟ این باز به عهده خود شماست. شماها خیلی بهتر از بنده می‌توانید در این زمینه نظر بدهید.

مراقب نیروها باشید

نکته مهم دیگر اینکه نیروهای خوبی که شما پرورش دادید و تولید و خلق کردید، مراقب باشید از دست ندهید. یکی از کارهای اساسی این است که نیروهایی که مال انقلاب اند، گاهی بر اثر یک مسئله جزئی از دست انقلاب خارج می‌شوند. گاهی یک جمله کوچک، گاهی یک برخورد نامناسب این‌ها را از زیر سایه انقلاب خارج می‌کند. مراقب باشید چنین چیزی اتفاق نیفتد.

از ظرفیت بانوان غفلت نکنید

مسئله بانوان هم مهم است. بانوان جوان خیلی کار دارند. اگر از بانوان خبره و خوب استفاده کنید، این‌ها بیایند و مجموعه‌های زنان جوان را دورهم جمع کنند - همان کاری که شما در مورد جوان‌ها انجام می‌دهید، آن‌ها در مورد دختران جوان و خانم‌ها انجام بدهند و کار کنند - خیلی استعدادهای خوبی بین این‌ها یافت می‌شود. بعضی از همین کتاب‌هایی که شما اشاره کردید و پُر فروش‌اند، نویسندگانش همین دخترهای جوان‌اند. این‌ها تنظیم کردند و نوشتند.

کار برای خدا

آخرین سخن هم این است که کارها را برای خدا بکنید. وقتی برای خدا کار کردید، خدا به کار برکت می دهد. خدا به شما توفیق می دهد. خدا اثر کار را گسترش می دهد. وقتی کار برای خدا بود، چون با نیت الهی وارد شدید، خدای متعال به او کمک می کند و راه را باز می کند. هر چه می توانید اخلاص خودتان را افزایش دهید.

نشست های یک روزه
هر ماه یکبار به صورت مستمر
با حضور اساتید جبهه فکری و فرهنگی



رویداد آموزش فرهنگ

جهت‌آورد

...اینکه گفتیم
جوان های مومن و انقلابی
کارهای فرهنگی
خودجوش
را رها نکنند و
دستگاه های
فرهنگی کشور
در این جهت
حرکت کند
این بخش
فرهنگی
عدم تبعیت و
جهاد کبیر است.

امام خامنه ای - ۹۵/۳/۳

باهدف:

معرفت افزایی و توانمندسازی فعالان فرهنگی
هم جوشی و شبکه سازی مجموعه های خودجوش فرهنگی استان
شناسایی و معرفی ظرفیت های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

محورهای تخصصی:
گفتمان انقلاب اسلامی
مهارت های تشکیلاتی
مدیریت فرهنگی
سواد رسانه ای
مباحث خانواده
بینش سیاسی
تربیت انقلابی
و...



را واجب تر و فوری تر احساس می کنم
تجمع اصحاب حق
هر چه زمان می گذرد
بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار
هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور
بیست و دوم آبان ۱۳۹۳

موسسه هنری

هیات مذهبی

موقعاژمی

کانون مساجد

تشکیل تربیتی



ثبت نام:

با ارسال پیامک به شماره ۰۹۹۱۵۷۵۸۲۹۱

پیام رسان سروش به آدرس @Kolbe_Andishe_Farhang

مرکز مطالعات
و پژوهش
کلبه اندیشه